

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندל شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

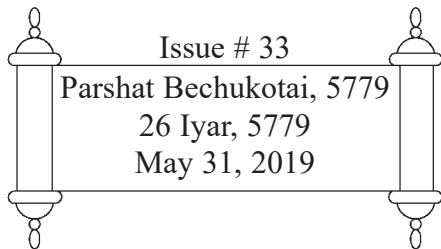
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, May 31, Light Shabbat Candles, by 7:40 p.m

Saturday, June 1, Shabbat ends at 8:44 p.m.

(Times are for Los Angeles)

This week's issue is sponsored in part by:

B"H

YOSEF Y. SHAGALOV

Traveling Notary Public & Home Signing Agent

Member: National Notary Association

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092

E-mail: yys770@aol.com

"For All Your Notary Needs - At *Your* Location"

E-Z Office Machines
LA's Eazy Office Solution

In Business Since 1990

**SALE • SERVICE • REPAIR
RENT • LEASE**

- COPIERS
- LASER PRINTERS
- FAX
- TYPEWRITERS

ISAAC
310-557-0702
FREE PICK-UP
& DELIVERY

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035
www.ezofficemachines.com

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

http://www.cpycenter.org

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

http://www.torah4blind.org

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

بِحُقَّتֵי

پاراشای بِحُقَّتֵי با کلمات "اگر به قوانین من رفتار کنید" آغاز میشود و میحث ما بروی این کلمات متمرکز شده و به یک بحث عمیق تبدیل می شود. دو موضوع مهم مطالعه تورا و ارتباط مابین ایمان و عقل در این پاراشا مورد بررسی قرار می گیرد

۱- بِحُقَّتֵי

پاراشای این هفته با کلمات اگر با قوانین (بِحُقَّتֵי) من بروید (رفتار کنید) ^۱ ... آغاز میشود . سیفیری این پاسوق را اینگونه تفسیر می کند. انسان ممکن است فکر کند که این پاسوق اشاره به انجام میصوت می کند اما در واقع ادامه پاسوق که می گوید و "میصوت مرا نگه بدارید و آن را انجام دهید". است که اشاره به انجام میصوت میکند. پس بنابراین منظور از پاسوق "اگر به قوانین من رفتار کنید" چیست؟ جواب آن است که "اگر شما برای درک و فهم تورای من زحمت بکشید".

اگر این پاسوق اشاره اش به میصوت می بود. ما می توانستیم درک کنیم که چرا فقط کلمه "حقییم" برای آن آمده است و نه "میشیاطیم" و یا "عدوت". علت می توانست آن باشد که ما می بایست میصوت دیگر تورا را که دارای توضیح منطقی هستند را به همان شکلی که حقییم را انجام میدهیم انجام بدهیم . یعنی آنها را نیز بدون قید و شرط همچون قوانینی که ورای درک و فهم ما هستند انجام بدهیم .^۲

اما از آنجا که این پاسوق به زحمت در مطالعه تورا اشاره می کند پس چرا فقط به قوانین حقییم در آن اشاره شده است؟ مطالعه تورا بیشتر برای درک بهتر و منطقی تورا انجام میشود. زحمتی که در این مطالعه بکار میرود صرفا برای درک جزئیات قوانین نیست بلکه برای درک علت آنها همانگونه که در تورای کتبی و شفاهی آمده است نیز می باشد.

اما اگر چه قوانین حقییم ما ورای توانایی درک ما هستند ، همانگونه که راشی می گوید ^۳ "آنها قوانینی از جانب من هستند شما حق ندارید که در مورد آنها تفکر کنید" ولی آنها تنها فقط قسمت

To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095

کوچکی از قوانین تورا را تشکیل می‌دهند. قسمت بزرگ تورا قابل درک است و در حوزه فهم انسان قرار دارد.

تورای کتبی در مقایسه با سنت بزرگ شفاهی ما قسمت کوچکی را تشکیل می‌دهد. و در مورد تورای کتبی درک مطلب اصل اساسی نمی‌باشد به همین علت است که اگر کسی معانی مطالب تورا را نمی‌فهمد هنوز لازم است که برای خواندن آن براخا بگوید در حالی که برای تورای شفاهی اگر انسان برای آن براخا بگوید حتما باید آنرا بفهمد.^۴

از نظر کمیت نیز تفاوت بزرگی مابین تورای کتبی و تورای شفاهی وجود دارد. تورای کتبی دارای تعداد مشخص کلمات و جملات است و هیچگونه کلمه‌ای نمی‌تواند به آن اضافه یا از آن کم شود اما تورای شفاهی پایانی ندارد و مقدار محدودی از آن تاکنون مشخص شده است و کشف مطالب تازه همواره در آن میسر است. در مورد آن گفته شده است که "هر آنچه که یک دانشجوی واقعی تورا در آینده کشف کند جزئی از تورای شفاهی می‌باشد"^۵ بنابراین برای این تورا پایان وحدی وجود ندارد. بصورت مشابه در خود تورای کتبی قوانین حقیق که توضیحی برای علت آنها گفته نشده است مقدار کوچکی از قوانین تورا را تشکیل می‌دهد.

به این ترتیب سؤال ما قوی تر می‌شود که چنانچه این پاسوق اشاره به زحمت در مطالعه تورا می‌کند پس چرا در آن فقط از حقیق نام برده شده است؟ این قوانین "حقیق" فقط مقدار بسیار کوچکی از قوانین تورا را تشکیل می‌دهند و چرا به میصوت و عدوت که بیشترین قوانین تورا را تشکیل می‌دهند اشاره نشده است؟ و چرا در زحمت کشیدن برای درک تورا، دقیقا به آن قوانینی اشاره شده است که قابل درک نیستند. "حقیق"؟

۲- یادگیری و حکاکی

در لیکوتی تورا، آلتر ریبی توضیح می‌دهد که کلمه "خُک" با کلمه "حکیکاکا" به معنی حکاکی کردن در رابطه است به این ترتیب پاسوق بالا که در آن از کلمه "حُق" استفاده شده است به ما می‌گوید که مطالعه تورا می‌بایست همچون عمل حکاکی باشد و کلمات تورا می‌بایست در روح و جان انسان حک بشود.

عمل حکاکی دارای چه خصوصیت و ویژگی خاصی است؟

خصوصیت اول عمل حکاکی آن است که کلماتی که بر روی چیزی حک می‌شوند اضافی و

قسمت بعدی پاسوق آمده است که "من باران شما را در وقتش خواهم داد..."
در لیکوتی تورا آمده است^{۱۱} که اصل اساسی در ایمان در آن سطوحی از الوهیت نهفته است که خارج از حوزه درک و منطق هستند. تا آنجا که در توانایی ماست می‌بایست مطالب را درک کنیم. ولی ایمان از آن نقطه آغاز میشود که آن نقطه پایان فهم و درک منطقی است.

و این ویژه گی خاص و متفاوت ایمان هر فرد یهودیست. ایمان ما بخاطر درک و فهم ما از موضوع نیست بلکه ایمان ما ورای درک و عقل ماست. از آنجا که درک مطلب ورای عقل و منطق ماست ما آنرا با ایمانمان می‌پذیریم. و اما درک و عقل دارای میزان و سطوح خاص خود است. "روزها سخن می‌گویند و زیادی سالها حکمت را درک می‌کنند"^{۱۲} و همانگونه که انسان بیشتر می‌فهمد و درک می‌کند محدوده ایمان او نیز بالاتر می‌رود. آنچه که دیروز به صورت ایمان پذیرفته میشد امروز به عنوان مطلبی قابل درک و منطقی به حساب می‌آید.

به همین علت است که "حقیق" نیز دارای درجات خاص خود هستند. آنچه که دیروز قابل درک نبود و حُق به حساب می‌آمد امروز قابل درک است و دیگر حُق به حساب نمی‌آید. به عنوان مثال خداوند به مشه گفت "من برای تو علت کشتن گاو قرمز را آشکار می‌کنم"^{۱۳} در حالیکه کشتن گاو قرمز برای ما یک حُق به حساب می‌آید ولی از آن لحظه به بعد برای مشه آن یک حُق به حساب نمی‌آمد چرا که علت آنرا خداوند برای او آشکار کرده بود. و این بخاطر این مطلب نبود که مشه نمی‌توانست حقیق را بپذیرد بلکه برای آن بود که برای مشه درک این مطلب در حوزه توانایی فکری او بود به عبارت دیگر در مورد مشه بخاطر داشتن توانایی‌های بسیار بالای عقلانی شروع محدوده پذیرشش از چیزهای غیر قابل درک از نقطه بسیار بالاتر از ما آغاز میشد.

و این در واقع معنای واقعی "اگر با قوانین بروید" می‌باشد. با زحمت کشیدن در تورا و با رسیدن به محدودیت‌های درک عقلانی مطالب تورا. انسان هر روز محدوده و ظرفیت‌های عقلانی خود را بالاتر برده و به این ترتیب آن مرحله‌ای "که قانون تورا یک حُق بحساب می‌آید را گسترش می‌دهد و این به معنای "رفتن" است پیشرفت به سوی ایمانی همواره بالاتر از طریق درک عقلانی که خود نیز همواره بالاتر می‌رود.

و پاداش این عمل آن است که "من باران شما را در وقتش میدهم و شمارا سربلند و پرافراشته خواهم کرد".
که اشاره‌ای به رسیدن به مرحله‌ی نهایی رفتن از نیرویی به نیرویی دیگر است "که بنوبه خود به آنچه که ورای رفتن است پایان می‌یابد. به زمانی که شبات کامل و راحتی و آسایش در یک زندگی ابدی است، ۱۴

منبع: لیکوتی سیخوت فصل سوم صفحه ۱۰۱۵-۱۰۱۲

(Source: Likkutei Sichot, Vol. 3, pp. 1012-1015)

۴-شولخان آרוخ هلاو - هیلخرت تلمود تورا پایان فصل ۲-لیکوتی تورا ویقرا "یعور ولو نشیبت"
۵-رجوع شود به تلمود یرושلمی پعا ۴-۲ شوت با آغاز فصل ۴۷ ویقرا ربا آغاز فصل ۲۲ تیا بخش پنجم و "الهورین پراتی"

معنای حکاکای کردن بیشتر از آنکه با معنای این کلمه به عنوان قوانینی که ورای درک و اندیشه ما هستند تناقض داشته باشد، آنرا تکمیل می کند.

مطالعه تورا به عنوان مجموعه ای از قوانین حَقْ به معنای یادگیری آن در حالت تعهد کامل است. این به معنای کوشش نکردن در درک و فهم تورا نیست. در واقع هدف درک قوانین تورا است ولی زمانی که دنبال کردن این هدف با تعهد صورت بگیرد، نه اینکه بگوئیم که زمانی قوانین تورا را انجام میدهم که معنای این قوانین را بفهمم و نه آنکه بگوئیم من از اینکه دنبال درک دانش تورا بروم لذت می برم. بلکه باید بگوئیم که من قوانین تورا را انجام میدهم بخاطر آنکه به من دستور داده شده است و سعی و کوشش می کنم که این قوانین را درک کرده و بفهمم. این زحمت واقعی است و به معنای سعی و کوششی است که لذت بردن عامل آن نیست. زمانی که دانش تورا به این ترتیب کسب می شود آن وقت است که تورا در وجود انسان حک شده و شخص مطالعه کننده و تورا ئی که مطالعه می کند با هم یکی می شوند.

۴- رفتن - رفتار کردن

مطالب بالا قسمتی از پاسوق "اگر با قوانین من بروید (رفتار کنید)" را توضیح میدهد. کلمه رفتن نیز سؤال برانگیز است. کلمه "رفتن" اشاره به سطوح و مراحل مختلف می کند. و معنای جلو رفتن و پیشرفت از یک مرحله به مرحله دیگری را می رساند. به عنوان مثال از نظر احساسی انسان از یک نوع عشق سطحی به سوی عشق در سطح بالا تر میرسد و یا میرود. اما در یک تعهد مطلق سطح و مرحله وجود ندارد. این نوع تعهد بیشتر یک حالت ثبات است تا یک مرحله رفتن؟

ربای لوباوویچ - آلتز ری - به این سؤال اینگونه پاسخ میدهد که کلمه "رفتن" در واقع اشاره به پاداشی است که انسان در اینگونه تعهدش نسبت به تورا دریافت می کند و نه اشاره به وظیفه انسان که اینگونه باید فرامین را انجام بدهد. اگر عبادت انسان دارای هر دو خصوصیات بِحَقَّتْ (حکاکای شدن) باشد آنوقت پاداشی که انسان می گیرد آن است که "تو همواره بالا تر و بالاتر خواهی رفت" و رفتن واقعی رفتنی است که در آن نهایت و حدی وجود ندارد.

۵- ایمان و عقل

اما خواندن ساده پاسوق که می گوید "اگر با قوانین من بروید (رفتار کنید)" این معنی را می رساند که تورا به ما می گوید که این وظیفه شماست که اینگونه رفتار کنید و پاداش انجام این وظیفه در

خارجی نیستند. بلکه از خود آن چیز هستند که بر روی آن حک یا کنده شده اند. خصوصیت دوم عمل حکاکای آن است که کلمات از خودشان موجودیتی ندارند. بقاء و موجودیت آنها کاملاً بستگی به چیزی دارد که بر روی آنها حک و یا کنده شده اند. پس بنابراین زمانی که تورا به ما می گوید که مطالعه تورا می بایست در وجود ما حک بشود منظور فقط این نیست که فرد یهودی در موقع مطالعه تورا باید با تورا متحد و یکی بشود. چرا که اتحاد بعضی اوقات از الحاق دو چیز جدا از یکدیگر هم حاصل می شود (همچون نگارش که باعث یکی شدن جوهر و کاغذ می شود). و یا همچون نوع مطالعه ای که دواگ انجام میداد که حخامیم در مورد او به ما می گویند^۶ که "او تورا را بصورت بسیار سطحی درک کرده بود". اینگونه مطالعه و اینگونه وحدت در مطالعه تورا کافی نیست. بلکه مطالعه تورا می بایست در وجود انسان حک بشود به این معنا که شخص مطالعه کننده هیچگونه موجودیتی از خود نداشته باشد. من او هیچگونه تأثیری در این مطالعه نداشته و همگی وجود او تورا بشود.

بزرگترین مثال برای این موضوع مشه رینومی باشد یعنی اولین دریافت کننده تورا. او آنچنان در بی خودی خود کامل بود که می توانست بگوید "من به صحرای شما محصول^۷ میدهم" خداوند از درون دهان او صحبت میکرد. ^۸ تمامی وجود او از خداوند پر بود.

همین مطلب در مورد ربی شیمعون بریوحای نیز صادق است که می گفت "من مردان بزرگ را بسیار دیده ام. تعداد آنها کم است اگر تعداد آنها هزار نفر باشد من و پسر من در میان آنها هستیم. اگر تعداد آنها یکصد نفر باشد من و پسر من در میان آنها هستیم. اگر تعداد آنها فقط دو نفر باشد من و پسر من هستیم. و اگر فقط یک نفر باشد آن فقط من هستم"^۹ اینطور بنظر می آید که این کلمات حکاکای از تعریف و تمجید از خود هستند. ولی مردان با خدا هرگز از خود تعریف و تمجید نمی کنند. ربی شیمعون بریوحای فقط بخاطر آنکه تا بدین حد از خود بی خود بود و تا بدین حد از خداوند پر بود می توانست اینگونه سخن بگوید. و بنظر می آید که او دارد از شخص دیگری سخن می گوید.

۳- تفسیرات

همه تفاسیر تورا با یکدیگر دارای نقطه مشترکی بوده و در رابطه اند^{۱۰} و تفسیر کلمه "حَق" به

۶- سنهدرین ۱۰۶ ب ۷- دواریم ۱۵-۱۱- لیکوتی تورا بختی ۵۰ الف ۸- زوهر فصل سوم ۲۲۲ الف و همچنین

۱۶۵ الف ۹- سوکا ۴۵ ب- سنهدرین ۹۷ ب ۱۰- رجوع شود به ص ۲۲